

مدیرمسئول:

محمدامین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سرمدپیر:

محمد ذعیم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)

کدپستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ،پلین‌تر از جمهوری

روی‌پوی ساختمان‌پورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

آمارها نشان می‌دهد هم پوشش گیاهی در کشور افزایش یافته هم تخریب جنگل‌ها

رشد لاک‌پشتی تولید جنگل



فاطمه سادات مرتضوی
مدیرنگار گروه اقتصاد

۱۵ اسفند در تقویم ایران با عنوان «روز درختکاری» مشهور است. به همین مناسبت «فرهیختگان» نگاهی آماری به آخرین وضعیت جنگل‌ها در کشور داشته است. داده‌های رسمی نشان می‌دهد در دو دهه اخیر مساحت جنگلی کشور افزایش یافته است. براساس این داده‌ها، مساحت جنگلی کشور از حدود ۱۲ میلیون هکتار در اوایل دهه ۸۰ به ۱۵ میلیون هکتار در سال‌های اخیر رسیده است. ممکن است برخی مخاطبان این گزارش با مشاهده آمار افزایش مساحت جنگلی کشور دچار شک و تردید شوند؛ چراکه تصور عامه مردم از جنگل، همانی است که در استان‌های شمالی ایران و جنگل حرا در جنوب مشاهده می‌شود، اما در اینجا ذکر این نکته الزامی است که طبق تعریف سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور (زیر مجموعه وزارت جهادکشاورزی) جنگل زمینی اعم از خشکی و آبی که به طور عمده از درخت و درختچه همراه با سایر رستنی‌های خشبی و علفی خودرو پوشیده است مشروط به آنکه مساحت آن کمتر از نیم هکتار و تاج پوشش درختی آن به طور طبیعی کمتر از ۵ درصد نباشد. به نظر می‌رسد این تعریف ابهامات افزایش مساحت جنگلی کشور را رفع کند. طبق داده‌های رسمی، درکنار افزایش مساحت جنگلی کشور، سودجویان و کاسبان درخت درحال تخریب جنگل‌های کم‌عمق به‌ویژه در استان‌های شمال غربی ایران و زاگرسند. به‌نظر می‌رسد این مهم‌ترین خطری است که ذخایر جنگلی ارزشمند کشور را تهدید می‌کند.

مساحت جنگلی ایران؛ ۱۵ یا ۱۱ میلیون هکتار؟

بانک جهانی می‌گوید در سال‌های اخیر، جنگل‌ها با سرعت نگران‌کننده‌ای در جهان ناپدید می‌شوند. طبق آمار جهانی، هرساله ۱۰ میلیون هکتار پهنه جنگلی در جهان ناپدید می‌شود که در میان کشورهای جهان، آمریکای جنوبی، جنوب افریقا و آسیای جنوب شرقی کانون نابودی پهنه‌های جنگلی طی دو دهه گذشته به شمار می‌آیند. در مقابل، بانک جهانی ایران را جزو کشورهای پیشرو در توسعه مناطق جنگلی خود در این سال‌ها می‌داند. افزون بر ایران، چین، کوبا، روسیه، هند، آلمان، فرانسه، آمریکا، کانادا و مغولستان از جمله کشورهایی‌اند که مناطق جنگلی خود را در این مدت توسعه داده‌اند. مراکز آماری داخل کشور نیز این فرض را تأیید می‌کنند، اما گفتنی است میان آن‌ها تناقضاتی به چشم می‌خورد. به طوری که مرکز آمار ایران در سالنامه آماری خود به نقل از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری

کشور، مساحت جنگلی کشور را بیش از ۱۵ میلیون هکتار در سال ۱۴۰۱ ذکر کرده، اما اخیراً تقی شعبانیان، معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور براساس نقشه پوشش‌های گیاهی در کشور، مساحت جنگلی کشور را ۱۴٫۲ میلیون هکتار اعلام کرده است. باید دید این اختلاف رقم از کجا نشئت می‌گیرد و اساس آن چیست. اگر به همین داده‌هایی که مرکز آمار ایران به نقل از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ذکر کرده بسنده کنیم، میزان مساحت جنگل‌های کشور طی هفتاد سال گذشته از ۱۹٫۵ میلیون هکتار در سال ۱۳۴۱ به ۱۲٫۳ میلیون هکتار تا سال ۱۳۶۹ رسیده و این میزان تا اوایل دهه ۸۰ در همین حد مانده است، اما از دهه ۸۰ به بعد مساحت جنگلی کشور افزایش یافته و این میزان تا سال ۱۴۰۱ به ۱۵ میلیون هکتار رسیده است.

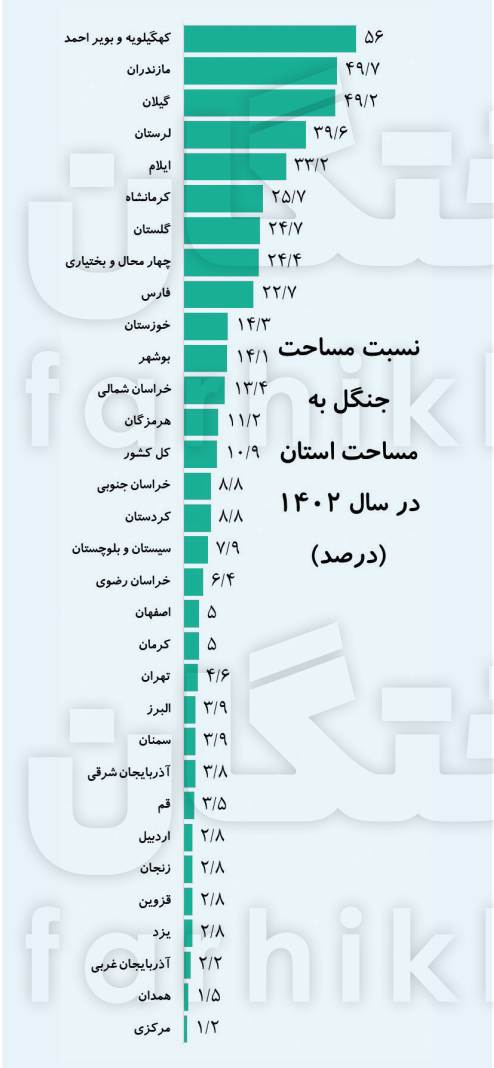
در کنار داده‌های ملی، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نیز این فرض را تأیید کرده که در دو دهه اخیر مساحت جنگلی ایران افزایش یافته، اما برخلاف داده‌های ملی، در گزارش فائو مساحت جنگل‌های ایران از حدود ۹ میلیون هکتار در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۱۰٫۷ میلیون هکتار در سال ۲۰۲۰ رسیده و تقریباً ۲۰ درصد افزایش یافته است. به عبارتی، یک فاصله ۴٫۳ میلیون هکتاری بین داده‌های سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و فائو وجود دارد که به نظر می‌رسد این برداشت متفاوت که فاصله چشمگیری هم با هم دارند، ناشی از تفسیرهای متفاوت از عنوان مساحت جنگلی است.

استان‌های شمالی

درمساحت جنگلی اول نیستند!

معمولاً تصور عموم مردم این است که شهرهای شمالی ایران باید مساحت جنگلی و سبز بیشتری نسبت به سایر نقاط ایران داشته باشند، اما داده‌های مرکز آمار ایران حکایت متفاوت‌تری از این فرض دارد. گرچه تصور اولیه درست بوده و بیشترین مساحت جنگلی کشور در دو استان گیلان و مازندران واقع شده، اما با در نظر گرفتن شاخص مساحت جنگلی به کل مساحت استان، وضعیت متفاوت می‌شود.

طبق داده‌های مرکز آمار ایران به نقل از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، با در نظر گرفتن کل مساحت هر استان و سطح پوشش جنگلی، استان کهگیلویه‌یویویر برآمد با داشتن بیش از نیمی (۵۶ درصد) از مساحت خود به جنگل، در رتبه اول قرار دارد. پس از آن، در رتبه‌های دوم و سوم مازندران و گیلان قرار دارند که نیمی از مساحت هر استان جنگل است. گفتنی است چهارم، پنجم و ششمین استان‌هایی که بیشترین مساحت



جنگلی را در کشور دارند، مربوط به لرستان و ایلام و کرمانشاه است که بین ۲۵ تا ۴۰ درصد مساحت آن‌ها عرصه جنگلی است. از آن طرف، استان‌هایی که به نسبت مساحت‌شان کمترین مساحت جنگلی را دارند، استان‌های مرکزی، همدان و آذربایجان غربی‌اند که تنها حدود ۱ تا ۲٫۲ درصد از مساحت آن‌ها جنگل است.

تهرانی‌ها کمترین و ایلامی‌ها بیشترین نهال را درسال ۱۴۰۲ کاشتند!

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲، در کل ایران به طور میانگین چیزی حدود ۲۸۰۰ اصله درخت به ازای هر هزار نفر تولید شده است. گفتنی است از تعداد نهالی که نسبت به جمعیت هر استان در سال ۱۴۰۲ کاشته شده، بیشترین نهال در استان ایلام به ثمر نشسته که حدوداً ۹۵۰۰ اصله به ازای هر هزار نفر بوده است. پس از آن، استان‌های خوزستان و آذربایجان غربی به ترتیب با تولید حدوداً ۶ هزار و هفتصد و ۵ هزار و نهصد اصله به ازای هر هزار نفر، بیشترین نهال را در سال ۱۴۰۲ به ثمر رساندند. از آن طرف، استان‌هایی که در سال ۱۴۰۲ کمترین تعداد نهال را نسبت به جمعیت خود کاشته‌اند، استان‌های اصفهان، تهران و قم هستند که در یک سال گذشته تنها ۵۹۷، ۵۲۳ و ۵۲۳ اصله نهال به ازای هر هزار نفر کاشته‌اند. برای استانی مانند تهران با جمعیتی حدود ۱۴ میلیون نفر در سال ۱۴۰۲، نهایتاً ۸ میلیون و ۳۵۸ اصله نهال به ثمر نشسته است.

کردستان و آذربایجان غربی

رکورددار تخریب جنگل‌ها

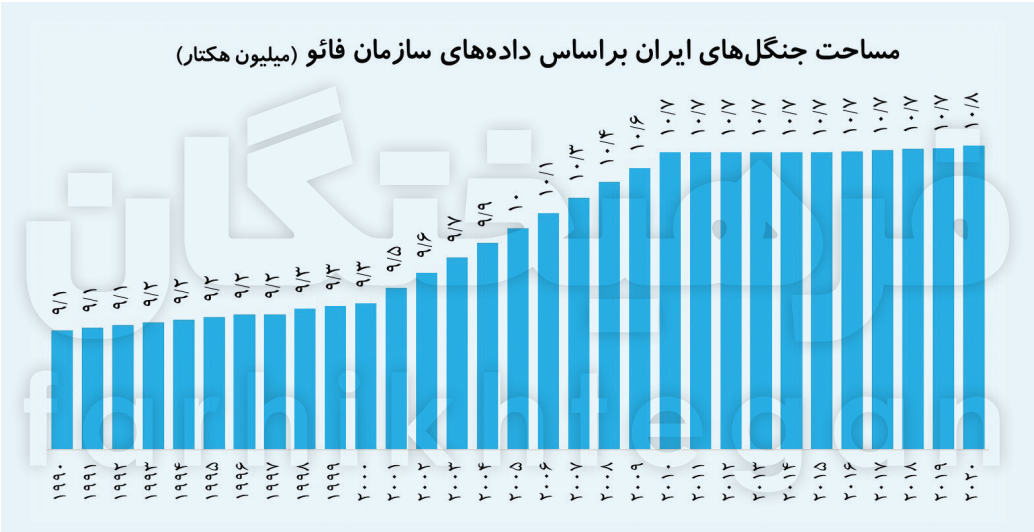
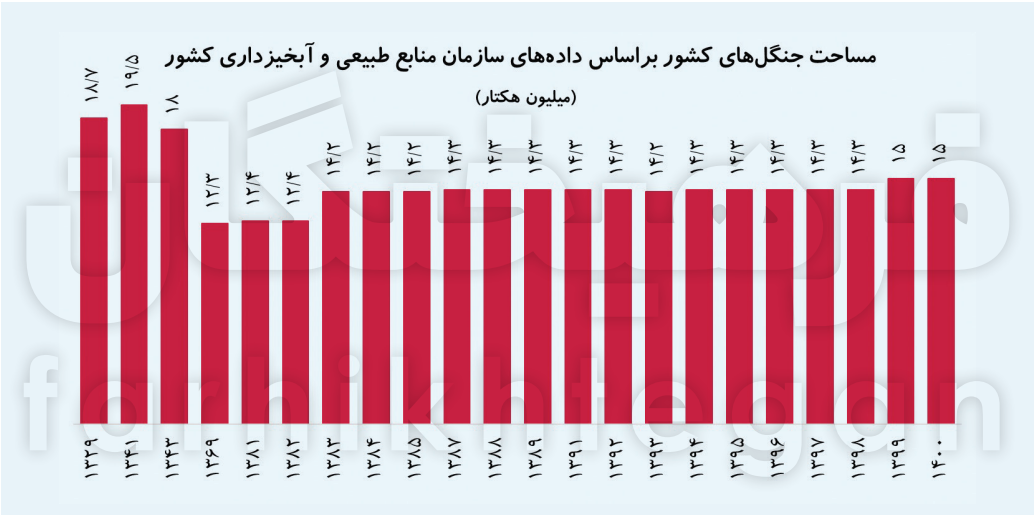
در شش دهه گذشته و از ابتدای دهه ۴۰ شمسی تا به امروز، توسعه در ایران با از بین رفتن جنگل‌ها همراه بوده است. همان طور که می‌دانیم بیشتر جنگل‌های کشور در نواحی شمالی و در سواحل جنوبی دریای خزر واقع شده و حدود ۳ میلیون هکتار جنگل در دامنه شمالی رشته کوه‌های البرز و استان‌های ساحلی دریای خزر وجود دارد. سایر نقاط کشور دارای جنگل‌های بالغ بر سه میلیون هکتار است. از مجموع جنگل‌های ایران، تنها ۳٫۱ میلیون هکتار قابل بهره‌برداری صنعتی است، بقیه جنگل‌ها به دلیل عدم نگهداری مناسب یا آسیب‌های طبیعی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند. از ابتدای قرن بیستم تاکنون ۴۳ درصد از جنگل‌ها از بین رفته و بیشتر مناطق جنگلی باقی‌مانده، در رشته کوه‌های البرز، در نزدیکی دریای خزر و در رشته کوه‌های زاگرس است. مرکز آمار ایران در گزارش اخیر خود از وضعیت جنگل‌ها و مراتع در مناطق مختلف کشور در سال ۱۴۰۲ و روند تخریب آن‌ها این

طور می‌گوید؛ به طور میانگین در کل کشور نرخ تخریب جنگل‌ها در سال ۱۴۰۲، پنج صدم بوده که از این میان استان کردستان بیشترین نرخ تخریب جنگل (۰٫۹) را در سال ۱۴۰۲ داشته و پس از آن در استان‌های آذربایجان غربی و لرستان با نرخ‌های ۰٫۲۷ و ۰٫۱۱ بیشترین جنگل تخریب شده است. در مقابل استان‌هایی که کمترین میزان جنگل در آن‌ها تخریب شده است استان‌های کرمان، سمنان و سیستان و بلوچستان هستند. گفتنی است برخی استان‌ها نیز در سال ۱۴۰۲ هیچ تخریبی در مناطق جنگلی‌شان صورت نگرفته که عبارتند از: قم، زنجان، مرکزی و همدان.

همدانی‌ها پرچمدار احیای مناطق جنگلی

در سال ۱۴۰۲

فعالان محیط زیستی اذعان دارند بخش زیادی از جنگل‌های کشور، به‌ویژه در مناطق زاگرسی، به دلایل مختلف در حال نابودی‌اند. روند جایگزینی و احیای این جنگل‌ها، اگرچه به مشارکت‌های مردمی وابسته شده، اما با سرعتی کند و منابع مالی محدودی پیش می‌رود. به گفته رئیس سازمان منابع طبیعی، پس از انقلاب، سطح جنگل‌کاری از ۲۵ هزار هکتار به ۵۵۷ هزار هکتار افزایش یافته است. البته که در سال‌های اخیر، طرح کاشت یک میلیارد درخت با هدف بهبود شرایط محیط زیستی کلید خورده که گویی قرار است در مدت ۴ سال به انجام برسد و با گذشت بیش از ۲ سال از زمان تصویب آن در اسفند ۱۴۰۱، بیش از ۵۰۰ میلیون نهال تولید و بیش از ۲۹۰ میلیون اصله درخت کاشته شده است. به طور کلی، سرعت جنگل‌کاری نسبت به تخریب جنگل‌ها به علت آتش‌سوزی و قاچاق چوب بیشتر است. سال گذشته، یکی از مسئولان وزارت کشور در نشستی درباره تخریب جنگل‌ها اعلام کرد که سالانه ۲ تا ۳ میلیون مترمکعب قاچاق چوب در جنگل‌ها رخ می‌دهد. البته وقتی از تخریب می‌گوییم بهتر است از میزان احیای مناطق جنگلی در کشور نیز صحبت کنیم. بر همین اساس مرکز آمار ایران در گزارش اخیر خود نسبت مساحت جنگل احیا شده به مساحت استان را بررسی کرده که طبق آن به طور میانگین در کشور این نسبت ۹۵ هزار است. در این میان ایتان همدان بیشترین نسبت احیای مناطق جنگلی را در کشور از آن خود کرده که ۲ درصد بوده و پس از آن استان‌های زنجان و قم بیشترین جنگل را نسبت به مساحت‌شان احیا کرده‌اند که ۱٫۴ و ۱٫۲ درصد از مساحت استان‌شان را شامل شده است. در مقابل استان‌هایی که کمترین میزان از مناطق جنگلی را در سال ۱۴۰۲ احیا کرده‌اند یزد، سمنان و سیستان و بلوچستان هستند. البته برخی استان‌ها مانند خراسان رضوی نیز در آن سال هیچ میزان از مناطق جنگلی را احیا نکردند.



«فرهیختگان» به بررسی آخرین وضعیت صادرات نفت ایران بعد از تحلیف ترامپ می‌پردازد

فروش مویرگی نفت ایران به چین



سیداحسان حسینی
مدیرنگار گروه اقتصاد

با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، تردیدهایی جدی درباره تداوم درآمد ۳۶میلیارد دلاری ایران از فروش نفت خام و میعانات گازی ایجاد شده است؛ به‌خصوص اینکه رئیس‌جمهور جدید آمریکا توانسته بود در دور اول ریاست‌جمهوری خود، رقم فروش نفت ایران را به نزدیک صفر برساند. طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، ایران باید در سال آینده روزانه ۱٫۸۵ میلیون بشکه نفت صادر کند که از این میزان، ۵۵۰ هزار بشکه سهم نیروهای مسلح و طرح‌های خاص، ۵۰ هزار بشکه مربوط به بازپرداخت تعهدات ماده ۱۲ و ۲۵/۱ میلیون بشکه نیز سهم دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت است.

اگر این رقم صادراتی و قیمت نفت برآورده‌شده در قانون بودجه محقق شود، سهم دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت از درآمد نفتی به ۲۹ میلیارد دلار خواهد رسید. اما طبق آمار مؤسسه ردیابی نفتکش‌ها کیپلر، میانگین صادرات نفت ایران به چین در پنج ماه گذشته حدود ۱٫۲ میلیون بشکه در روز بوده و در روند نزولی قرار دارد. بدین ترتیب وضعیت فعلی، از

اфт ۳۵ درصدی درآمد نفتی ایران نسبت به برآورد قانون بودجه ۱۴۰۴ حکایت دارد.

صادرات نفت ایران به چین

همچنان کمتر از یک میلیون بشکه

خبرگزاری بومبرگ در ۱۹ فوریه سال جاری میلادی در گزارشی مدعی شده بود جریان صادرات نفت ایران به چین پس از رفع تنگناهای لجستیکی ناشی از تشدید تحریم‌های آمریکا مجدداً احیا شده و با رشدی ۸۶ درصدی به رقم ۱٫۷۴ میلیون بشکه در روز رسیده است. پیش از پیروزی ترامپ در انتخابات، میزان فروش نفت ایران به چین در اکتبر سال ۲۰۲۴ حدود ۱٫۸ میلیون بشکه در روز بود و ادعای رشد صادرات نفت ایران در بازه زمانی ۱ تا ۲۰ فوریه، باعث واکنش وزارت خزانه‌داری آمریکا و اعمال تحریم جدید در تاریخ ۲۴ فوریه بر ۳۵ نفتکش، شرکت و فرد مرتبط با فروش نفت ایران شد.

نکته جالب اینکه خبرگزاری رویترز در ۲۸ فوریه، در گزارشی با استناد به آمار مؤسسه کیپلر اعلام کرد که خرید نفت ایران توسط چین در فوریه به روزانه ۷۷۱ هزار بشکه رسیده که از ۶۹۲ هزار بشکه در ژانویه بیشتر است. به بیان دیگر رویترز در این گزارش ادعای بومبرگ درباره

جهش صادرات نفت ایران به چین در فوریه به ۱٫۷۴ میلیون بشکه در روز را تکذیب کرد.
روايع بررسی توالی زمانی اتفاقات نشان می‌دهد به احتمال زیاد، هدف بلموسبرگ از اعلام ارقام غیرواقعی و اغراق‌آمیز از فروش نفت ایران این بود که با تحریک وزارت خزانه‌داری آمریکا، این نهاد را به سمت اعمال هرچه سریع‌تر تحریم‌ها علیه ایران هدایت کند.

تغییر تاکتیک ایران در بازار نفت چین

البته رویترز بعد از تکذیب ادعای بلمبرگ نوشت: «واردات نفت چین از ایران، در مارس بهبود خواهد یافت، زیرا نفتکش‌های تحریم‌نشده، جذب این تجارت شده و جای کشتی‌های تحت تحریمی را گرفته‌اند.» به نظر می‌رسد یکی از تکنیک‌های ایران برای بهبود صادرات نفت به چین، استفاده از نفتکش‌های کوچک و متوسط باشد که تاکنون تحریم نشده‌اند. طبق آمار مؤسسه ردیابی نفتکش‌ها، کیپلر، در ماه فوریه امسال هشت نفتکش از نوع افراکس و سونوزمکس، نفت خام و میعانات گازی ایران را به سمت بنادر چین منتقل کرده‌اند. استفاده ایران از نفتکش‌های افراکس و سونوزمکس در ماه ژانویه فقط دو عدد بوده که این رقم در ماه فوریه چهار برابر شده است.

این کشتی‌ها به دلیل اندازه متوسط و کوچک خود، امکان جابه‌جایی و عبور از آبراهه‌های تنگ و همچنین پهلوگیری در بندرهای کوچک چین مانند دانگینگ را دارند.
درواقع ایران قصد دارد با استفاده از نفتکش‌های کوچک‌تر، تعدد محموله‌های نفت خود در بازار چین را بیشتر و حجم محموله‌ها را کمتر کند و بدین ترتیب با تغییر تاکتیک، فروش نفت خود را در مواجهه با تحریم ترامپ به‌صورت مویرگی‌تر ادامه دهد.

نفتکش افراکس و سونوزمکس برای جابه‌جایی نفت در فواصل کوتاه و متوسط استفاده می‌شود. تا پیش از تحلیف رسمی دونالد ترامپ، ایران از نفتکش‌های بسیاری بزرگ با ایرنفتکش‌ها برای صادرات نفت به چین استفاده می‌کرد که ظرفیت حمل آن‌ها حدود دومیلیون بشکه است. کشتی‌های افراکس و سونوزمکس می‌توانند کمتر از یک‌میلیون بشکه نفت را جابه‌جا کنند.

البته کارشناسان معتقدند با وجود تغییر تاکتیک، هنوز هم فعالیت وزارت نفت در بازار نفت چین در دولت چهاردهم نسبت به گذشته کاهش یافته و روابط ایران با چین به حالت اغما درآمده است. در صورت رویکرد فعالانه‌تر وزارت نفت و تعمیق همکاری‌های سطح بالای سیاسی با چین، ایران می‌تواند بخش بزرگی از فشار حداکثری ترامپ را بی‌اثر و از سقوط فروش نفت ایران به زیر یک‌میلیون بشکه در روز جلوگیری کند.